

فضای جنگی، برنامه ناسیونالیستها و راه حل ما

اسدگلچینی

بار دیگر فضای جنگ فعال شده است و احتمال حمله نظامی به تاسیسات اتمی و نظامی و ... ایران از سوی اسرائیل و آمریکا شدت پیدا کرده است. همزمان اتفاقات دیگری هم در جریان است، تحریم ها در ابعاد گسترده تری در جریان است و این جنگی واقعی تربریه مردم است. بسته پیشنهادی اروپا به ایران دارد مزه مزه میشود و اینکه رژیم احتمالا دارد با آن بازی میکند. آمریکا دوستداران و هوا خواهان جنگ و حمله به ایران را گرد آورده است و آنها هم باز آماده شده اند تا چنانچه این اتفاق بیفتد انجام وظیفه کنند و در واقع از هم اکنون خود از عناصر تشکیل دهنده فضای جنگی شده اند، این صف از مجاهد تا احزاب دمکرات در کردستان و دیگر ناسیونالیستها و صف در انتظار را شامل میشود. اینها در صد "آزادی" خود و مردم در قبال این حمله هستند.

اما این فضای جنگی و تحریم و یا جنگ احتمالی، برای مردم و بویژه برای طبقه کارگر و محرومان و ما کمونیستها تماما فاجعه است. این فضا بدون تردید زنگ خطر است و برای بدترین احتمال مثل همیشه باید آماده شد. ص ۳

هشدار (اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست) ص ۴

ناسیونالیستها و علل طرفداری آنها از جنگ طلبی امریکا

سلام زیجی

امریکا و غرب درست مانند سال ۵۷ اما، این بار با پوشش دمکراسی و ملی و تقویت و بیروس قوم پرستی در راستای اهداف سراسری خود دارند به مبارزات رادیکال و آزادیخواهانه مردم علیه جمهوری اسلامی ضربه میزنند. جمهوری اسلامی نیز با استقبال از این موقعیت بیش از پیش فضا را نظامی کرده و به نفع تداوم عمر ننگین خود از آن بهره میگیرد. هم امریکا و پروژه ورشکسته "نظم نوین و دمکراسی" و هم حکومت آدمکشان اسلامی دقیقا در بطن این سناریو است که یارگیریهای خود را میکنند و هر کدام بخش هایی از نیروهای ضد مردمی و ناسیونالیست را در داخل و خارج کشور دور خود گرد آورده اند. این اوباشان زندگی مردم را در مخاطره جدی قرار داده اند. زندگی در دنیای ضد انسانی بوش و بلرو احمدی نژاد و دمکراسی و اسلام و ناسیونالیسم که بوی تعفن آن و حاکمیتی که اعمال میکنند جهان انسانی را بشدت مسموم کرده است و بیش از پیش مردم را با فقر و بدبختی و وحشت و تباهی و جنگ روبرو کرده است. ص ۵

*** جمع آوری دیش های ماهواره و وظیفه واحدهای گارد آزادی ص ۸**

ساعات پخش: ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ هر شب به وقت تهران. تکرار: روز بعد ۲:۳۰ تا ۳:۳۰ بعد از ظهر، هات برد، کاتال ۶

TV Partow
Channel 6
تلویزیون پرتو

ضمیمه ۱

اکتبر ۴

۱۹۹۹

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۶ تیر ۱۳۸۷ - ۶ ژوئیه ۲۰۰۸

سر دبیر: رضا دانش Rz.Danesh@gmail.com

www.oktoberr.org

جنگ و منافع مردم

رضا دانش

در پی افزایش احتمال حمله نظامی اسرائیل با پشتیبانی امریکا به ایران در روزهای اخیر با توجه به مانور هوایی اسرائیل که با صدها فروند هواپیمای نظامی در دریای مدیترانه صورت گرفته و به گفته یکی از مقامات بلند پایه اسرائیل تمرین حمله به تاسیسات و مراکز هسته ای ایران بوده است شاهد موضعگیریهای متفاوت و گاه متضادی از سوی اپوزسیون بودیم.

کمونیسم کارگری و حکمتیستها بمثابة مدافعین حقوق کارگران و زحمتکشان با قاطعیت و با درک روشنی از موقعیت جنبشهای اعتراضی موجود در سطح کشور همواره سعی کرده است توده مردم را از توهم به اقدامات نظامی امریکاورژیم چنج و برپایی دمکراسی آنگونه که در عراق شکل گرفته است!! برخوردار و بجای پیش گرفتن سیاست انتظار و پاسیو بودن از بدو تشکیل حزب بطور واقعی و عملی تلاش کرده است با دادن رهنمودهای روشن و شفاف و سازماندهی جنبشهای رادیکال اجتماعی در بخشهای مختلف جامعه نقش موثری داشته باشد و همگام با این اقدامات چهره واقعی نیروهای ارتجاعی و فاشیستهای قومی و مذهبی را در همسویی و همگامی با سیاستهای جنگ افروزانه امپریالیسم امریکا و ایجاد دمکراسی در ایران به شیوه یوگسلاوی، افغانستان و عراق و... افشا کند.

واکنش ناسیونالیستها و سلطنت طلبان اما کاملا متفاوت است آنان با پشتیبانی از حمله نظامی امریکا و اسرائیل به ایران از هم اکنون خود را برای وضعیتی مشابه عراق و افغانستان و نشستن بر مسند قدرت آماده کرده اند و با استفاده از مدیای نوکرسرمایه نظیر تلویزیون صدای امریکا، بی بی سی و... سعی در جلب حمایت بیشتر دول غربی ... ص ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

جنگ و منافع مردم

... و قبولاندن خود بعنوان نیروهای پیشقراول ارتش امریکا دارند و همزمان با تشدید اقدامات عملی و نظامی در مرزها و مذاکرات چند جانبه با ماموران اطلاعاتی و نظامی امریکا بدنبال برپایی فدرالیزمشان هستند تا این بارتقسیم بندی انسانها و بهره گیری از امکانات جامعه نه بر مبنای مذهب بلکه بر مبنای نژاد و زبان مادری انجام گیرد . برآستی مردم ایران از این جنگ چه دست آوردی میتوانند داشته باشند و حمله نظامی چه عواقبی بدنبال دارد و چه کسانی از آن سود میبرند ؟

واقعیت این است که این جنگ برای ناسیونالیست ها و قومپرستانی که دغدغه آزادی زن ، آزادی بیان و اجتماعات و تشکلهای مستقل ، بیمه بیکاری همگانی و درکل هیچ برنامه ای برای رفاه و ساختن زندگی بهتری برای خیل محرومان و زحمتکشان جامعه ندارند ، برای گروههای تروریست و فاشیستهای قومی مذهبی یک نعمت است و باعث میشود شرایط مساعدی برای آنان بوجود بیاید و با کمک و پشتیبانی امریکا جامعه را به سوی ناامنی و شرایط مشابهی مانند عراق و افغانستان سوق دهند گروههای مانند جندالله ، الاهواز ، زحمتکشان ، پژاک ، مجاهدین و دهها گروه فاشیست قومی و مذهبی دیگر از هم اکنون آماده اند تا در جای جای این مملکت بساط تروریسم و پاکسازی قومی و مذهبی براه بیا نندازند و فجایعی بمراتب وسیعتر و گسترده تر از یوگسلاوی و رواندا و ... بیافرینند .

برای جمهوری اسلامی که با افزایش نارضایتی در بین مردم و قدرتمند شدن جنبشهای اجتماعی زنان ، دانشجویان و کارگران

و زحمتکشان روبرو است این جنگ میتواند امکان تعرض بیشتری به جمهوری اسلامی ببخشد و سبب طول عمر رژیم شود در ضمن امریکا و اسرائیل قصد سرنگونی حکومت اسلامی را ندارند بلکه هدفشان تضعیف رژیم و جلوگیری از دخالت آن در کشورهای همسایه ایران و لبنان و فلسطین است. این تنها بخشی از قضیه است بطور قطع امریکا و اسرائیل برای جلوگیری از واکنش متقابل ایران در پاسخگویی به اقدام نظامی آنها سعی خواهند کرد در آغاز تهاجم

مراکز استراتژیک نظامی ، مراکز راداری ، وسایتهای موشکی ، تاسیسات زیربنایی مثل سدها ، کارخانه ها ، نیروگاههای برق ، مرکز مخابراتی و ... را مورد هدف قرار دهند به گونه ای که رژیم جمهوری اسلامی را از پاسخگویی و هر گونه اقدام نظامی و موشک پرانی ناتوان کنند و یقیناً "دودش به چشم مردم خواهد رفت . در حمله امریکا و متحدانش به عراق بدنبال اشغال کویت توسط ارتش صدام در جنگ خلیج بیش از سیصد تن او را نیوم غنی شده (در مهمات و گلوله های جنگی بکار برده شد) بکار بردند و تاثیرات مخرب آن در جنوب عراق همچنان باقی است و باعث افزایش بیماری سرطان به میزان چند برابر شده است همچنین تولد نوزادان نارس و ناقص الخلقه و آلودگیهای شدید زیست محیطی را بدنبال داشته است مه پس از سالها همچنان ادامه دارد .

شکی نیست اگر این حمله صورت گیرد برای مردم ایران بغیر از مرگ و نیستی و خانه خرابی ثمری نخواهد داشت و فقر و فلاکت بیشتری را به مردم تحمیل می کند در وضعیت فعلی که هنوز حمله نظامی صورت

نگرفته است و جمهوری اسلامی روزانه صدها میلیون دلار از فروش نفت درآمد گزانی و بیکاری در سراسر کشور بیداد میکند و نرخ اجناس و مایحتاج روزمره مردم ساعت به ساعت افزایش می یابد قطع آب ، قطع برق و خاموشیهای گسترده ، سهمیه بندی بنزین مردم را با مشکلات عدیده ای روبرو کرده است کارخانه ها و کارگاههای بسیاری به علت عدم سوخت و نداشتن توان رقابت با کالاهای وارداتی و رشکست شده اند و کارگران آن به لشکر بیکاران ملحق شده اند افزایش نیروهای انتظامی و امنیتی در شهرها و تعرض به معیشت و آزادیهای کارگران و زحمتکشان ، زنان و دانشجویان ابعاد وسیعتری بخود گرفته است و تعداد زندانیان سیاسی روز بروز بیشتر میشود ، نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در مرزها مستقر شده اند و به بهانه جنگ از هم اکنون فضای جنگی را بر مردم ایران و بویژه شهرهای مرزی تحمیل کرده اند .

نسلی که هشت سال جنگ ایران و عراق را بخاطر دارد و کم و بیش با آثار زیانبار آن که همچنان ادامه دارد آشناست ، بیست سال از پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق گذشته است اما هنوز آثار و تبعات آن از بین نرفته است و هنوز شاهد کشف شدن گورهای دسته جمعی در مناطق جنوبی کشور هستیم هنوز سرنوشت بسیاری از مفقودین جنگی نامشخص و در پرده ابهام است هنوز آثار روانی این جنگ بر ساکنین مناطق جنگی باقی است هنوز بسیاری از شهرها و روستاها ی جنگزده بازسازی نشده و به حالت عادی بازنگشته است هنوز خاطرات تلخ و دهشتناک جنگ بر روح و روان بخشی زیادی مردم ایران سنگینی میکند

، در جنگ هشت ساله حتی یک نفر از سران جمهوری اسلامی و فرزندانانشان کشته نشدند در هنگامی که فرزندان ما را با عنوان دفاع از اسلام و میهن روانه کشتارگاه میکردند مسئولین نظام جهل و سرمایه اسلامی خانواده هایشان را به کشورهای امن منتقل کرده بودند و بچه هایشان در آنجا در کمال آسایش و راحتی مشغول تحصیل بودند و به ریش مردم میخندیدند .

حکومت استبدادی و ولایت فقیه با تکیه بر قدرت نظامی و لشکر مزدوران پاسدار و سربازان گمنام امام زمان برای ادامه حکومت جنایتکارانه اش نیازمند خرید فرصتی است که با تکیه بر آن بتوانند هرگونه ندای آزادیخواهی و برابری طلبی را بنام تحریک از سوی دشمن و خیانت به کشور در دوران جنگی خاموش کنند ، اقدامات و برخوردهای احمدی نژاد و سران جمهوری اسلامی از درک واقعیتهای موجود در جامعه نشأت میگیرد آنان بخوبی دریافته اند این بهترین فرصت برای تسویه حساب با ناراضیان و مخالفان رژیم و فعالان جنبشهای مدنی است .

برای جلوگیری از تعرض بیشتر جمهوری اسلامی به امنیت و معیشت مردم به بهانه جنگ و نظامی کردن فضای جامعه باید متحد شد و اعتراضات توده ای را سازمان داد تنها اعتراض متحد و یکپارچه ماست که میتواند جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کند نباید اجازه داد جنایتکاران سیاسی خارج از اراده ما سرنوشت ما رقم بزنند باید جلوی این فاجعه را گرفت باید در محل کار و زندگی واحدهای گارد آزادی را سازمان داد و برای مقابله با شرایط ویژه از هم اکنون آماده شد فردا دیر است .

فضای جنگی، برنامه ناسیونالیستها و راه حل ما

... ماهیت این فضا و جنگ احتمالی، ارتباطی به بهبود زندگی مردم ندارد، برعکس سرنوشت جامعه و مردم را به قهقرا خواهد کشاند. این کشمکش و درگیری احتمالی برای جمهوری اسلامی و آمریکا و غرب چیزی جز جدال امپریالیستی و سرمایه داران برای دستیابی به بازار کار ارزان و منابع مهم در منطقه و جهان نیست. شریک شدن در این جنگ و طرفداری فعال و غیر فعال و یا سکوت، مستقیماً خدمت به این منافع و به این سیاست هاست. مردم باید چه اکنون و چه در زمان بروز هر درگیری و جنگی امر به زیرکشیدن و سرنگونی رژیم اسلامی را دنبال کنند. فضای کنونی و یا جنگ هدفی 180 درجه مغایر خواست و مبارزه مردم را دنبال میکند.

رژیم سرمایه داران اسلامی هم اکنون و در حالیکه خود از سازندگان این شرایط است، یکی ازدشوارترین شرایط را برای زندگی کارگران و مردم ستمدیده ایران فراهم کرده است، سرکوب اختناق و زندان و بیحقوقی مطلق برای آنها و مخالفینش را برپا کرده است، میلیونها بیکار، گرانی و فحشا و اعتیاد، خط مرگ زندگی و زندان آن شرایطی است که رژیم ایران و سرمایه داران فراهم کرده اند و این فضایی است که همزمان با فضای جنگی برای مردم ایران روزبروز بدتر میشود و در جریان است. به اینها موقعیت رژیم اسلامی در منطقه را باید اضافه کرد، در فلسطین و عراق و لبنان تا هر جای دیگری در دنیا هزینه میکنند تا با رقبای سرمایه دار خود بجنگند و در آشفته بازار جهانی سهم بیشتری برای خود بیابند. همه اینها همانطور که

در داخل میبینیم تماماً بر علیه مردم محروم، کارگران زنان و مبارزه و زندگی آنها بکار گرفته میشود. جنگ و فضای جنگی و تحریمشان نیز تماماً در این راه به خدمت گرفته میشود. به همین دلیل تشدید این وضعیت چه به وسیله جنگ و چه تحریم، مستقیماً خدمتی طلایی برای رژیم اسلامی است و در خدمت سرکوب و خاموش کردن مبارزه و اعتراض مردم است. هر اعتراض حق طلبانه ای تحت نام دفاع از شیطان بزرگ و اسرائیل صهیونیست بویژه، سرکوب میشود. نه تنها رهبران مبارزه کارگران و دانشجویان، بلکه وبلاگ نویسان را هم به جرم "الحاد و ارتداد" به اعدام محکوم میکند. در یک کلام بار دیگر سیاهی بیش از سیاهی برسجامعه فرود میاید و در این میان رژیم پا برجا تر خواهد ماند. سرمایه دار و پول دار بر گرده کارگران بمراتب ارزانتر، سوار خواهند شد و جامعه باز هم به قهقرا خواهد رفت. جامعه به نفع رژیم زیرو رو خواهد شد و این شرایط بسیار بدتری برای مردم، کارگران و ما کمونیستهاست. بدون تردید کمونیستهای انقلابی و همه مبارزان در چنین شرایطی باید تلاش خود را برای ایجاد امیدی برای ادامه مبارزه و زندگی به جامعه بدهند و این بدون سازماندهی مبارزات کنونی ممکن نیست.

نیروهایی از اپوزیسیون و مردم طرفدار جنگ هستند

اینها بیشترین اشتباه و بزرگترین خطا را مرتکب میشوند. اینها فکر میکنند و یا اینگونه القا میکنند که آمریکا درصدد سرنگون کردن رژیم است. این واقعیت نداشته و ندارد. آمریکا و غرب هیچگاه دوست مردم نبوده اند. آمریکا و غرب از ستون های بسیار محکم

حفظ رژیم و حفظ این شرایط جهانی و بردگی برجامعه و اکثریت مردم کارگرو زحمتکش بوده اند. اینها حدود 30 سال است بیشترین روابط سیاسی را با ایران داشته اند. اینها میخواهند صرفاً پروبال رژیم را در رقابت با خود قیچی کنند. اینها به سرکوب کارگران، کمونیستها و مردم مبارز اعتراضی نداشته اند. اختلاف اینها با رژیم بر سر تند روی آن بوده است. آرزوی اینها در حال حاضر در ایران حکومت اسلامی نوع خاتمی است، همین، و یا حکومتی اسلامی همچون عراق و افغانستان و عربستان و کویت است. اینها هیچگاه خواهان سرنگونی رژیم از زاویه بهبود زندگی و مبارزه مردم نبوده اند. جنگ و درگیری و ایجاد فضای کنونی هم ربطی به این مبارزه ندارد. اپوزیسیون طرفدار غرب و حمله آمریکا و یا احزاب دمکرات و دیگر جریانات ناسیونالیست در کردستان، مشغول به مردم فریبی هستند اینها به جامعه القا میکنند که آمریکا درصدد سرنگونی رژیم است. اینها هیچگاه نتوانسته و نمیخواهند بر مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم و یا سازماندهی مردم بر علیه حضور رژیم متکی شوند و اکنون هم که فضای جنگی مهیا شده است میخواهند مردم را گوشت دم توپ آمریکا و ایران بکنند. اینها هیچگاه از تجربه چند ساله خود درس نگرفتند که امیدشان را به آمریکا و اسرائیل نبندند. اگر که مجاهد در چنین شرایطی برای "آزادی" ایران از سوی آمریکا سرپا نگاه داشته شده است، نیروهای ناسیونالیست هم برای "آزادی" کردستان آماده میشوند. اینها آگاهانه به این انتخاب تن داده اند و آگاهانه در فاجعه ای که در اثر حمله نظامی برای مردم ایجاد خواهد شد دارند شرکت میکنند.

ما چکار میکنیم؟

آنچه امروز مبارزه و اعتراض مردم بر علیه شرایطی است که رژیم فراهم کرده است باید ادامه یابد. در شرایطی که فضای جنگی هست، در شرایطی که همه سرها به جنگ و یا مذاکره و بده و بستان های مختلف گرم است، رژیم بیشترین استفاده را از آن برای سرکوب مردم، کارگران، دانشجویان، زنان و ... میکند. بهترین فضا را همین وضعیت برای رژیم چه حال و چه در زمان هر درگیری فراهم خواهد کرد. کارما مقابله و مبارزه با این بی حقوقی و سرکوب است. کارما سازماندهی اعتراض امروز و فردای مردم است. مبارزه امروز ما بر علیه گرانی و فقر،

هشدار (اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست)

بار دیگر تهدیدات نظامی و فضای جنگی بر سر جامعه ایران سایه افکنده است. علاوه بر تحریم های اقتصادی و تشدید آن که تا کنون دودش به چشم مردم ایران رفته و به بهانه ای در دست جمهوری اسلامی برای تعرض گسترده به سفره مردم و تشدید تورم و گرانی و گرسنگی تبدیل شده است، دولت اسرائیل گزینه جنگ را نیز پیش کشیده و جمهوری اسلامی به ماجراجویی هایش ادامه میدهد. دولت آمریکا مستاصل از شکست در عراق، به دنبال فرصت و متعاقبا وارد شدن در جنگی است که اسرائیل میخواهد آغازگر آن باشد. هر سه طرف این ماجرا هر کدام به دلیل شرایطی که در آن بسر میبرند به این جنگ نیاز دارند. اما این نزاع و عربده کشی ها هیچ ربطی به منافع مردم در این کشورها ندارد. بالعکس، حمله نظامی به ایران مستقیما به ضرر حرکت آزادیخواهانه مردم ایران است. تحریکات نظامی اسرائیل و آمریکا فضای زندگی مردم ایران را بیش از پیش اسلامی و میلیتاریزه کرده و به جمهوری اسلامی امکان تعرض گسترده تری را میدهد. هم اکنون تعرض به حقوق و آزادیهای سیاسی مردم بیش از پیش تشدید شده است. این فضا همچنین تحریک جریانات ارتجاعی و دستجات قومی و گانگسترهای سیاسی را موجب می گردد.

تهدیدات نظامی اسرائیل و آمریکا هشداري به طبقه کارگر و مردم ایران و همه نیروهای اپوزیسیون مخالف جنگ است که برای ممانعت از آن تلاش کنند. طبقه کارگر و جنبش کمونیستی باید همه قدرت خود را برای ممانعت از این فاجعه به میدان آورند. جنگ بر عمر جمهوری اسلامی می افزاید و تحریم ها هم بر نان سفره کارگران و مردم سرشکن میشود. بنا بر این مساله اصلی تعیین تکلیف مردم با جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی به امر عاجل طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران تبدیل شده است. طبقه کارگر و مردم به جان آمده از تورم و گرانی و گرسنگی برای دفاع از معیشت و زندگی خود به اعتصابات کارگری سراسری و قدرت و ابتکارات توده ای نیازمندند. مواد غذایی و نیازمندیهای حیاتی مردم در انبارهای سرمایه داران و دولت احتکار شده است. کرور کرور از درآمد جامعه صرف مخارج سپاه پاسداران، نیروهای امنیتی، جاسوسی و پلیس و بسیج و خیل آخوندها و حوزه های علمیه و مساجد و غیره میگردد. این مخارج باید قطع شده و به مصرف نیازهای جامعه برسند. انبارهای محتکرین باید توسط مردم سازمانیافته در نهادها و کمیته های مردمی مصادره و میان گرسنگان توزیع شوند.

مردم!

هر نوع نزدیکی به آمریکا، اسرائیل یا جمهوری اسلامی تحت هر نام و بهانه ای، شریک شدن در جنایت علیه بشریت است و باید محکوم شود. برای جلوگیری از جنگ باید به میدان آمد. جمهوری اسلامی تنها با تحت فشار قرار گرفتن از جانب مردم و تنها در ترس از مردم دست از ماجراجویی برمیدارد.

مقدم بر هر چیز آزادی، برابری، شادی، رفاه، استثمار نشدن، سرکوب نشدن، بهداشت، خلاصی فرهنگی و تعالی فیزیکی و معنوی حق شماست. باید در مقابل میلیتاریزه کردن فضای جامعه، علیه تحمیل اختناق اسلامی و نظامی در کارخانه و مدرسه و دانشگاه و محل کار و زندگی، علیه حمله بیشتر به سطح معیشت مردم به بهانه جنگ ایستاد. باید دفاع از امنیت، معیشت و زندگی را سازمان داد. باید در محلهای کار و زندگی متحد شد و کنترل اوضاع زندگی خود را بدست گرفت.

کمیته های محله و کارخانه را ایجاد کنید! واحد های گارد آزادی را بوجود بیاورید! متشکل شوید! مبارزاتتان را به هم وصل کنید! با تشکیل انواع تشکلهای محلی و سراسری، خود را در مقابله با بحران جنگی، حاضر و تجهیز کنید. مجمع عمومی مردم محل و کارگران کارخانه را برگزار کنید! اجازه ندهید مشتی اوباش سیاسی در ایران، اسرائیل و آمریکا آینده ما و فرزندانمان را رقم بزنند. تنها راهی که وجود دارد، متشکل شدن، متحد و قدرتمند شدن مردم ایران برای عقب راندن ارتجاع اسلامی و خارج کردن زندگی خود از کنترل جمهوری اسلامی است.

رهبران کارگری، فعالین کمونیست!

مردم و تاریخ جریان ها و شخصیت هائی را که در این مقطع، آینده این جامعه را فدای محدودنگری، صنفی گری، احساسات ناسیونالیستی و قومپرستی و بدتر از همه فدای ندیدن عواقب جنگ می کنند، نخواهند بخشید. امروز روزی است که باید نقش بازی کنید. طبقه کارگر و مردم را متحد کنید، به میدان بیاورید و مانع از این فاجعه شوید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

ششم تیرماه ۸۷ (۲۶ ژوئن ۲۰۰۸)

→ ... برای دست یابی به مایحتاج اولیه و...، نیرو و توان و امید برای اداره محیط زندگی و کارمان در زمانی که هرچنگ و آشفتگی بوجود آید را بیشتر میکند. همین امروز باید این مبارزات را گسترش داد. کمیته های محله و واحد های گارد آزادی باید سازمان یابند و در صورت وقوع هر درگیری و جنگی باید ما بیشترین تلاش را برای سازماندهی زندگی و اداره جامعه انجام بدهیم. گارد آزادی نیروی مردم برای مقابله با این شرایط و ایجاد زندگی انسانی و بدور از هرگونه ارتجاع و قومی گری است. گارد آزادی ابزار دست مردم مبارز و کارگران برای دفاع از خود در برابر ارتجاع اسلامی، نیروهای ضد مردم، دارودسته های فاشیست اسلامی و ملی است. ما کارگران و مردم مبارز را به سازماندهی گارد آزادی بعنوان نیروی توده ای مقاومت و دفاع مسلحانه از خود در هر شرایطی فرامیخوانیم. گارد آزادی نیروی سازمان یافته حزب ما و مردم مبارز در شرایط کنونی و در شرایط جنگ و سناریوی سپاهی خواهد بود که موظف به آمادگی در سطح هر چه گسترده تری برای دفاع از حاکمیت انقلابی و زندگی انسانی است.

ناسیونالیستها و علل طرفداری آنان از

جنگ طلبی آمریکا

... این آن دنیایی است که باید از آن نفرت داشت و برای کنار زدن سایه شومش بر سر زندگی جامعه انسانی متحد شد و به مبارزه برخاست. تمام طیف های ناسیونالیست (و اسلامی ها) جز تفکیک ناپذیر این دنیای ضد انسانی هستند. نه فقط جنگ بیوقه شان با کارگر و زن و کمونیست و انسانیت که حتی جنگ های درونی صفوف خود را نیز، حداقل در ایران و عراق و خاورمیانه از راه تبنای های دور و نزدیک و اتحاد با "دشمن دشمنشان" و از طریق شروع خونریزی و تحمیل جنگ و ویران کردن شهر و روستا و مدنیت به پیش میبرند. ایجاد فضای جنگی و تخریب مدنیت جامعه و ممانعت از روند طبیعی رشد و گسترش مبارزه سیاسی و اجتماعی کارگران و مردم تشنه آزادی و تلاش برای کسب سود و سهم خواهی از قدرت و اعمال حاکمیت سرکوبگرانه وجه مشترک تمام نیروهای پوزیسیون و اپوزیسیون بورژوا و ناسیونالیست بوده و میباید. در کنار تحمیل جنگ و فضای جنگی به جامعه، به منظور تامین باروت تداوم جنگشان با تبلیغات عوامفریبانه و دروغین مبتنی بر "ملت خودم" به خطر افتادن "خدا و دین" و "تمامیت ارضی" و غیره نیز شب و روز مهندسی افکار مردم میشود و جامعه را با این سم های کشنده بمباران میکنند. و باید اقرار کنم که متأسفانه آنها در این مسیر عوامفریبانه و دروغپراکنی بدلیل در اختیار داشتن مدیا و پول

امریکایی از طرف اپوزیسیون ناسیونالیست ایرانی و کرد، و در ایران با دزدیدن ثروت جامعه و سرکوب وحشیانه مبارزات مردم و ممانعت از دسترسی به جامعه که با تمام قدرت از طرف رژیم اعمال میشود، هر دو طرف توانسته اند بخشی از مردم را فریب دهند و مرعوب کنند. اما تا جایی که به نفس خود جنگ مربوط میشود خوشبختانه اکثریت مردم با آن موافق نیستند و خود این یکی از فاکتورهای مثبتی بوده که تا کنون مانع از وقوع سریع این جنگ خانمانسوز شده است که باید این جنبه را تقویت و گسترش داد. همه و از جمله خود جمهوری اسلامی و آمریکا و اسرائیل و متحدینشان نیز میدانند که کشمکش طولانی مدت میان آنها به بهانه هسته ای، که مجددا ابعاد جدید و حساستری به خود گرفته هیچ ربطی به مردم ندارد. همانطوری که اشاره کردم اهداف و سیاستهای دو طرف این نزاع نه تنها هیچ ربطی به منافع مردم ایران و کشورهای منطقه ندارد که اساسا برای دست یابی به اهداف خودشان، که اهدافی تماما مجزا از منافع مردم میباشد، این بازار گرمی را فراهم کرده اند و دارند با سرنوشت مردم بازی میکنند. جنبه بشدت خطرناک این بازی و ایجاد فضای غیر انسانی کشمکشها این است که دارو دسته های اسلامی و قومی که مورد حمایت این یا آن طرف نزاع هستند ایران را در خطر پاشیدن شیرازه زندگی مدنی و تبدیل شدن به عراق دیگری در ابعاد به مراتب وحشتناک تر قرار داده است.

اینجا است که ما هیچ سیاست مسئولانه ای را نه تنها از هیچیک از نیروهای ناسیونالیست نمی بینیم بر عکس در نقش آتش زیر خاکستر بازی میکنند و در تلاش و آرزوی شروع جنگ و تبدیل ایران به عراق دیگری هستند و در صف نام نویسی نزد مقامات و ارتش آمریکا با هم مسابقه دارند. در این روند و تلاش ضد انسانی برخی از آنها در سنگر جمهوری اسلامی قرار گرفته اند و برخی دیگر عملا به بخشی از سازمان سپاه و ارتش آمریکا تبدیل شده اند. این اوضاع جدید یک بار دیگر پوچی کل پدیده ناسیونالیسم، بعنوان پرچم بورژوازی و بی ربطی آنرا به مردم عیان تر کرده است.

ناسیونالیسم ایرانی و سلطنت طلبان

ناسیونالیسم عظمت طلب و سلطنت طلبان ورشکسته و زخم خورده دست مردم، در محور "شاه جوان" از همان دوره که آمریکا به عراق حمله کرد در رویای ایفا نقش چلبی بر آمدند. اینها که تا بیخ گوش از هر نوع مبارزه کارگری و در میدان بودن مردم و رشد جنبش کارگری و چپ در وحشت بسر میبرند، هیچگاه با مبانی حکومت اسلامی، منهای جوانبسی از "تندروی مذهبی" و ناتوانی حکومت اسلامی در تامین روند سرمایه تناقضی نداشته اند. بحث رفرا دوم شان را که میخواستند ابتدا به همت خاتمی و بعد در سایه ارتش آمریکا به جای برسانند با شکست دو خرداد محو شد و با ناکامی آمریکا در عراق و منطقه این امید به تمامی حباب شد. وقتی با موج قومپرستی و حمایت آمریکا از نیروهای

فاشیست مشابه خودشان، در کردستان و اهواز و آذربایجان روبرو شدند و احساس خطر در "تمامیت ارضی" به مشامشان رسید، از یکسو در صدد بر آمدند با این نیروها از جمله جریانهای اپوزیسیون در کردستان ایران تماس بگیرند و از "عدم تمرکز" در حکومت خیالی آتی شان به تفاهم برسند، تا راه ارتجاعی چلبی و طالبانی در عراق را به خیال خود در ایران تکرار و آزمایش کنند و از سوی دیگر و در قدم بعد از آنجا که خود جمهوری اسلامی و احمدی نژاد بسیار بهتر و جدی تر از "ملیت یکپارچه" ایرانی و "تمامیت ارضی" و ناسیونالیسم ایرانی و دیگر افتخارات ارتجاعی شاهان به دفاع برخاستند بیشتر این طیف در کنار جمهوری اسلامی و احمدی نژاد قرار گرفتند. تا جایی که امثال داریوش همایون حاضر است در سنگر جمهوری اسلامی و در دفاع از تمامیت ارضی بجنگد. خلاصه، این نیروهای راست به ویژه با این سیستم سلطنتی و پادشاهی که مردم یک بار آنها را به زباله دان تاریخ حواله داد واقفند که از جانب مردم ایران ترد شده هستند. متوجه شده اند که جنایت بیشمار جمهوری اسلامی نیز نتوانسته امید بازگشت به گذشته جنایتکارانه حاکمیت پهلوی زنده کند. باید از راه دیگری وارد جدال بر سر آینده ایران شوند. اما مسئله این است که دوباره بازنده هستند. در فضای به وجود آمده جنگی و در صورت وقوع جنگ همچنان در دو سنگر، سنگر جمهوری اسلامی و سنگر آمریکا قرار دارند که تماما بر علیه مردم و جنبش آزادیخواهان عمل خواهند کرد.

→ اینها باید برای همیشه بفهمند که مردم رعیت نیستند که شاه و سلطنت را بپذیرند. باید بفهمند که مکانیزم سیاسی و اجتماعی مردم و قدرت چپ و کمونیزم در ایران مطلقاً شباهتی با عراق ندارد تا آنها با همت ارتش امریکا به سادگی در جستجو تحقق رویای خود باشند. باید بدانند حتی استفاده از واژه "جمهوری" به جای "شاه" و "فقط سلطنت" نیز نمیتواند به داد پروژه طیف دیگری از این ناسیونالیستهای افراطی و عظمت طلب برسد. تاریخ این آقایان حداقل در این قالب و با این نام و سیاست با قیام سال 57 برای همیشه به پایان رسید!

ناسیونالیسم کرد

ناسیونالیستهای کرد چه راهی را انتخاب کرده اند؟ سیاست و عملکرد نیروهای ناسیونالیست کرد، همه احزاب و دستجات آن و به ویژه حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان عبدالله مهندی و عمر ایلخانی زاده بیشتر از همه تماشایی است. اینها واقعا سنتهای ارتجاعی تاکنونی جنبش ملی در کردستان را یک بار دیگر با این دوره از دنیای سیاست بازتعریف و مطابقت داده اند. البته نعل به نعل سیاست این جریانات مثل هم نیست، باوجود اینکه سازمانهای یک جنبش و طبقه اند، اما تفاوتهایی با هم دارند، حزب دمکرات کمی پخته تر، سیاسی تر و حتی مسئول تر بنظر میرسد. قماشی چون زحمتکشان را که محصول دوره خاتمی و نظم نوین بوش و ساخته دست احزاب کرد در کردستان عراق است نمیتوان بعنوان حزب سیاسی در نظر گرفت. جلیبند. ویژه سناریو سیاه هستند. این دسته تازه بدوران رسیده

نسبت به حزب دمکرات و دیگر نیروهای ناسیونالیست منطقه بسیار ارتجاعی تر، ماجراجوتر، ضد کمونیست تر و غیر قابل اعتمادتر است. اما واقعیت این است که بستر اصلی و ماهیت همه این جریانات و کل تاریخ جنبش ملی کرد از بدو پیدایش تا اکنون همین بوده که اینها در سال دوهزار و هشت با هر درجه تفاوتی که دارند مجددا نمایندگی و "بازسازی" میکنند. بیربطی مطلق به مساله رفع ستم ملی، استفاده از دروغ و عوامفریبی بعنوان رکن مهم سیاست، دشمنی کور با طبقه کارگر و کمونیزم و آزادیخواهی، سیاست "جنگ، مذاکره، جنگ" برای گرفتن سهمی از قدرت دولتی و حاکمیت بورژوائی خودی، جنگ با حکومت مرکزی نه بخاطر سرکوبگری و جنایت بیوقفه علیه مردم و اعمال ستم ملی بلکه تنها و تنها بخاطر شراکت ندادن خود اینها در این سیستم سرکوب و استثمار، و غیره. تمام تاریخ و محتوای خودمختاری و محتوا و اهداف فدرالیسم قومی چیزی بیش از این نبوده و نیست. برای پیشبرد همین سیاستها هم این احزاب سنتا و تاریخی نه متکی به مردم که بر علیه مردم و در تبانی و همکاری و مزدوری رسمی و غیر رسمی، در شکل علنی یا پنهان، با توجیه "روابط دیپلماسی"، متکی بوده و هستند. اینکه اینها در عراق و ایران به بخشی از نیروی امریکا تبدیل شده اند از سر سهو و ندانم کاری آنها نیست. دقیقاً جزئی از سیاست و اهداف پایه ایی آنها است. جنبش ملی و تاریخ همه احزاب آن فقط همین بوده است. هیچ حزب و حرکتی در این جنبش در

تمام طول عمر خود را نمیتوان پیدا کرد که دست در دست حکومتی نداشته باشد، فریب نخورده باشد، رهبران چپ از جانب حکومتها یا از طرف خودشان بدلیل توهم و توطئه از بین نرفته باشند و، هیچ وقت نتوانسته اند و لیاقتش را نداشته اند که با اتکا به مردم حتی سر سوزنی دردی از رفع ستم ملی حل کرده باشند. جنبشی که بویی از انقلابگری و عدالت در این دوره از تاریخ بر پیشانی ندارد نمیتواند سازمانهای مردمی و مترقی نیز از خود بیرون بدهد.

عراق الگو ناسیونالیست کرد

ایرانی

اینها الگوهای عراق امروز را بدون احساس شرم برای مردم آنسوی مرز بعنوان هدیه و بسته پیشنهادی تزئین کرده اند. کدام الگو، کدام هدیه؟ با تاکید در این بسته پیشنهادی به مردم ایران و خصوصاً مردم کردستان عملاً با دروغ بافی هایشان تلاش میکنند که مردم کور و کر قلمداد شوند، اصرار دارند که مردم خودشان را به کوری و کری بزنند. کاری به محتوای الگو و هدایای آنها نداشته باشند و فراموش کنند موارد "کوچک"ی از کمبود های این الگو. یعنی: مهم نیست که در حلبجه و سلیمانیه قتل زنان بیشتر از بمباران شیمیایی صدام حسین در همین حلبجه بوده است، مهم نیست که حقوق ماهانه یک نفر "سه روک" و مسئول مفتخور حکومتی در عراق و کردستان تحت حاکمیت امریکا و ناسیونالیستها و اسلامیهها در بهترین حالت ممکن برابر است با دستمزد ماهانه کار تحقیر آمیز ده تا پانزده کارگر. در این الگو "حکومت" احساس راحتی میکند از دست اعتراض کارگری چون قبل از اینکه نیاز باشد خودشان

به گارد آزادی پیوندید! واحدهای گارد آزادی را تشکیل دهید!

سرکوبشان کنند به اندازه کافی کارفرما گانگستر در اختیار دارد که آنها را به رگبار ببندد. به مردم ایران و کردستان ایران چه مربوط که در این بهشت عراق تفنگداران و و دارو دسته ناسیونالیست و اسلامی تا در توان دارند پول میخورند و چپاول میکنند و به مردم زور میگویند و اگر کسی هم صدایش در آمد با پاسخ ابلهانه، چون 'هنوز حکومت مان نوپا است'، بعداز پنج، ده، پانزده و بیست سال شاید تا ابد "حکومت نوپا" نوزاد باقی خواهد ماند، پاسخ خواهند داد. اگر کسی سراغ آزادی، رفاه، عدالت، بیمه بیکاری، آزادی زن، آزادی بیان و تحزب و... را گرفت میگویند ما سالها است قربانی داده ایم تا به حکومت ملی برسیم حالا که رئیس جمهور، دولت، پاسبان، شکنجه گر، دزد و همه چیز از خودمان است دیگر چی میخواهید! دموکراسی هم که داریم، در جنوب با شیعه ها آزادانه جنایت میکنند و در مرکز عراق سنی ها و مقتدا صدر و بازماندگان صدام مردم را با بمب پر پر میکنند در کردستان هم که "ملت" خودش حاکم و خودمختار است و هر کسی با "حکومت" باشد به نان و نوایی میرسد! در این بسته و الگو که گفتیم اینها عامدانه همه این حقایق "کوچک" را با ایجاد گرد و خاک از مردم پنهان میکنند، دوست دارند واقعا مردم آن سوی مرز عراق کر و کور شوند که این جنایات را ناسیونالیستهای نازنین اپوزیسیون مستقر در عراق وارونه ترجمه کنند و به آنسوی مرز مخابره کنند.

احزاب ناسیونالیست و قوم

پرستان ما در کردستان ایران در پیام خود به مردم کردستان ایران همچنان به دروغ پردازی مشغولند و این جنایت عظیم ضد بشری را نه تنها به خیال خود از مردم پنهان میکنند که از نقش امریکا با دید مثبت در پروپاگاند خود مشغولند. شب و روز کارشان این است: کاری به امریکا و حمله آن نداشته باشید. بیخودی مخالفت نکنید، باور کنید که دوست کردها هستند. مگر نمی بینید این باغ رنگارنگ بهشتی را، بوش و بلر در عراق برایمان کاشته اند؟ کردها به جایی برسند دیگران به ما چه. فراموش کنید که بیش از 3 ملیون آواره دارند، مهم نیست که بیش از جمعیت مردم کردستان ایران فقط کودکان و مردم در حال مرگ و نابودی اند که فقط در اثر مواد شیمیایی ناشی از بمباران امریکا و فقر و گرسنگی فلج شده اند و از این دنیا رفتنی هستند. یک تا دو میلیون انسان هم که از همان زمان حمله صدام به کویت و حمله و محاصره اقتصادی امریکا و همپیمانانش و همچنین در پی جنگ های قومی و اسلامی هم که دست و پاشان قطع شده و یا کشته شده اند نیز دیگر به تاریخ پیوسته و باید فراموش کرد. این جنگ ها و بمب گذاریها و کشتارهای روزانه مردم بیدفاع نیز تمام خواهد شد، 5 سال دیگر هم تحمل کنید آنگاه عراق و کردستان آباد و فدرالی خواهیم داشت.

خلاصه و هدف پیام فرضی اما واقعی اینها را میتوان چنین ترجمه کرد: شما مردم گوسفند باشید و گوسفند وار زندگی کنید، ما در مقام رهبران و نگاهیان حقوق شما از شما نگهداری میکنیم و منتظر بمانید و گوش به فرمان ما و امریکا! بزودی بر روی قبرستانهای شما در خاک پاک کردستان ایران جشن پیروزی ملت کرد را خواهیم گرفت. این تمام حقیقت سیاست و مبانی فکری و استراتژی و ارزشی است که برای جامعه و نفس انسان بودن انسانها قائل هستند. این هدف و چهره واقعی و دو دوزه بازی نیروهای ناسیونالیست و از جمله ناسیونالیسم کرد بوده و هست که امروز به شکل عریان و آشکارا بعنوان بخشی از ارتش و نیروهای سازمان سیاه امریکا دارند در این مسیر ضد انقلابیگری، و عومفریبانه کلاه سر مردم میگذارند.

اگر کسی دنبال این میگردد و هنوز برایش سوال است که چرا ناسیونالیستهای ما تشنه جنگند و در انتظار حمله امریکا به ایرانند پاسخش همین است که گفتیم. آنها میخواهند بر ویرانه های یک جامعه به اهداف خود برسند. با نیروی خود توان انجام هیچ کاری را ندارند. عرضه مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی را نیز ندارند. باید به امریکا متوسل شد، پول گرفت، اسلحه گرفت، مزدور آنها شد، برایشان اطلاعات جمع کرد در هتل هایی در واشنگتن و سلیمانیه با آنها نشست و نشان داد که از چلبی و مالکی و طالبانی و سیستانی و غیره لیاقت کمتری ندارند. دلیلش روشن است: بدون امریکا و جنگ و سناریو سیاه هیچ امید و آینده ای برای اینها قابل تصور نیست. جنگ و فضای جنگی فقط برای جمهوری اسلامی نعمت نیست برای اینها نه تنها نعمت که همه امید است.

همان دارودسته های سازمان زحمتکشانیها و حزب دمکرات های که گفتیم حتما شاهدش هستید که در جریان انشعابات درونی اخیر خودشان به چه شکل وقیحانه ای بر علیه همدیگر چاقو کشیدند و هم تشکیلاتی های خودشان را به رگبار اسلحه بستند، چگونه به ترور و تهدید مخالفین خود روی آورده اند. تصور کنید اینها با این فرهنگ و افکار و سیاست ترور و چماق که دارند در یک فضای جنگی و سناریو سیاهی مشابه عراق هم دستشان به جایی برسد. مثلا دبیر کل یکی شان در بوکان مسئول شهربانی و رئیس آن دیگری در مهاباد مقامی دیگری داشته باشد در "حکومت کردی" امریکائی و خیالی آتی خود. تصور کنید من و شما که همین حرفهای مشابه این مقاله را میزنیم و یا اعتصاب میکنیم و یا خواهان رفاه و بیمه بیکاری و برابری زن و مرد و غیره باشیم. اگر کسی حتی برای یک لحظه فکر کند اینها از حاکمان کردستان عراق و مقتدا صدر بهتر و مسئولانه تر رفتار میکنند نه تنها به خود فریبی محض روی آورده که سر سوزنی از تجربه و عقل و حقیقت بهره نگرفته است!

کشتار و سر بریدن افراد سازمان پیکار، به گلوله بستن کارگران قره موسالی و شوراهای حامیان و دفاع از باغ و دارایی مرتجعینی چون صلاح مهدی، تجاوز و شکنجه و کشتار مردم بیدفاع، تحمیل جنگ به کومه له قدیم، همسو با رژیم راه انداختن جنگ کرد و ترک و صدها نمونه مشابه... که حدود بیست بیست و پنج سال پیش در یک فضای انقلابی به وسیله همینها به وقوع پیوست در دنیا حاکمیت

خونریزی و کشتار مردم گردهمایی دارند باید با تف و نفرت به استقبالشان رفت. تازه برخی از آنها، بنا به گفته یکی از مسئولین کومه له، از جمله سازمان عبه مهدی همزمان با نیروهای اطلاعاتی رژیم نیز مذاکره داشته اند که مردم باید با دید بی اعتمادی و توطئه گرانه کامل به اینها برخورد کنند. ما باید برای عبور از این دوره کثیفی که امریکا و این تفاله های طرفدارش برای مردم در منطقه ایجاد کرده اند در دو جبهه نبرد کنیم. گسترش مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و تلاش برای سرنگونی آن به وسیله خود ما مردم و نیروهای مترقی و مبارز، و همزمان باید بر علیه ماجراجویی امریکا و اسرائیل و طرفداران ورشکسته ناسیونالیست آنها در ایران و کردستان با تمام قوا به پا خیزیم. مردم شرافتمند و آزادیخواه ایران و کردستان باید متحدانه بر علیه این دشمنان مشترک خود مبارزه سر نوشت سازی را آغاز و در دستور خود قرار دهند.

همین امروز با صدای رسا به مقابله با این سیاستها بر نخیزند و اجازه بدهند این جنایت به نام آنها صورت بگیرد باید بدانند که نه تنها به تمام زندگی و آرمان انسانی خود پشت خواهند کرد که با دست خود تله و باطلاق بزرگی ایجاد میکنند که به آسانی و بزودی نمی توانند از آن سالم بیرون بیایند. باید سریعاً دست بکار شد. باید از آن ظرفیت مثبت فضای انسانی ضد جنگ به عنوان سنگری برای گسترش اعتراضات استفاده کرد. کمونیستها، کارگران و صف گسترده آزادیخواهان در کردستان با همت و حمایت و همراهی اکثریت مردم در ایران و کردستان این پروژه جنایتکارانه را میتوانند ناکام کنند. ما به سهم خود با تمام توان تلاش میکنیم این احزاب را رسوا کنیم و جنایتی که اینها و امریکا و جمهوری اسلامی در تدارک تحقق آن هستند بر علیه مردم با شکست مواجه کنیم. مردم باید هر نوع همسوئی اینها را با امریکا محکوم کنند. وقتی اینها در هتل پلاس سلیمانیه با ماموران امریکائی برای

به بهانه هسته ای و با پوشش ملی و قومی موتور این توحش را به راه انداخته اند. همانطور که اشاره شد جریانات ناسیونالیست سابقه و زمینه چنین نقشی را نیز در تاریخ سیاسی خود دارند و اما این دوره بیش از پیش رنگ سناریو سیاهی و ضد مدنیت بودن سیاست و نقش خود را آشکارا در مقابل همه قرار داده اند. آن سیاستی که از راه خونین جنگی و از طریق امریکا و غرب بتواند به جایی برسد بدون تردید ضد مردمی و ضد انقلابی خواهد بود و در مقابل مردمی که بعداز خوابیدن گرد و غبارها دوباره کمر راست میکنند مقابله میکنند و وسیعاً دست به کشتار میزنند.

راه حل ما و مردم

مردم ایران و به ویژه مردم کردستان ایران که تجربه نزدیکی از کردستان عراق و زندگی در سایه نیروهای امریکایی و سناریو سیاهی دارند اگر اجازه عملی شدن این سیاستها را بدهند، اگر به این سیاستهای مزدورمنشانه و احزاب طرفدار جنگ تف نکنند و آنها را در میان خود منزوی نکنند، اگر از

گانگسترها و جنگ و سناریو سیاهی دوره حاضر و مشابه عراق و با دلار امریکائی چگونه ممکن است که صد برابر ضد انسانی تر رفتار نکنند. اگر فکرکنیم افساری بر اینها باقی خواهد ماند اشتباه محض میکنیم. آیا با اهداف و سیاست و پلانفرم امروزی میتوانند فرقی با جمهوری اسلامی داشته باشند؟ بی تردید همانطور که جمهوری اسلامی با سرکوب انقلاب 57 جایگزین حکومت پهلوی شد این ها هم اگر در بطن یک سناریو سیاه مشابه عراق بتوانند به این مقام برسند همان نقش را ایفا خواهند کرد. همانطوریکه جانشینان صدام همان کارهای صدام را در شکل زنده تر تکرار کردند و ادامه می دهند. مجبورند چنین عمل کنند. همانطور که جمهوری اسلامی مجبور شد با سرکوب گسترده آزادیخواهی و مخالفین خود را در قدرت حفظ کند. هر دو این پدیده در دو دوره تاریخی معینی و با اهداف مشابهی محصول تلاش و دخالت مستقیم امریکا و غرب اند. اولی با لباس اسلامی پیش رفت و این دومی

دبیر کمیته کردستان

اسد گلچینی

agolchini@yahoo.com

مسئول روابط عمومی کمیته

کردستان

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

www.hekmatist.com

partowtv.com

بازهم پارازیت و جمع آوری دیش های ماهواره

وظیفه واحد های گارد آزادی

اخیرا باز هم درشهرهای مختلف در کردستان جمع آوری دیشها شدت پیدا کرده است، پارازیت شدید تر شده و ...

مردم بدرست میگویند که بیش از 20 سال است که هرروز تحت فشارقرار میگیرند تا دیشهای ماهواره را برچینند و هربار دیشها بیشترمیشود. پارازیت راه انداخته اند تا تلویزیونها دیده نشوند باز هم مردم راه های دیگری برای دیدن تلویزیونها پیدا کرده اند.

جوانان را از هرنوع پوشش عادی منع میکنند و بیشتردر زندگی خصوصیشان دخالت میکنند و طرحهای ضد اجتماعی و ضد مدنی راه میاندازند.

نباید نظاره گر این حملات شد. گروه های جوانان برای حمله به این گروه های سرکوبگر باید وارد شوند و به هروسيله ممکن آنها را از این اعمال خود پشیمان و عقب بنشانند. در هر محله و خیابانی و درهرواحد مسکونی، در هر فروشگاه و رستورانی که سروکله اینها پیدا میشود باید با مقاومت و حمله واحد های جوانان مبارز، یعنی واحد های گارد آزادی روبرو شوند.